

آسیب‌شناسی پژوهش در دافوس

سرهنک نوذر امین صارمی^۱

تاریخ دریافت: ۸۶/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۲۷

چکیده

پژوهش محوری از رویکردهای جدید دانشگاه‌های پیشرفته جهان است که یادگیری را معطوف به حافظه پروری، دانایی محوری و ارتقای قدرت درک و بینش خلاق کرده است. دانشکده فرماندهی ستاد دانشگاه علوم انتظامی به عنوان یکی از مراکز عمده تحصیلات تکمیلی ناجا با توجه به این راهبرد باید آموزش‌های خود را معطوف به رویکرد پژوهش محوری کند. اما وضعیت فعلی پژوهش در این دانشکده نشان از فاصله با انتظارات متناسب با رویکرد پژوهش محوری دارد که به عنوان یک مسئله نیازمند تحقیق علمی است. لذا این تحقیق به دنبال شناسایی و تعیین اولویت موانع و تنگناهای گرایش به پژوهش است. سؤال اساسی تحقیق این است که مهم‌ترین موانع گرایش به پژوهش در دافوس چیست؟ روش تحقیق توصیفی پیمایشی است و اطلاعات توسط پرسشنامه در قالب طیف لیکرت از جامعه آماری دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دافوس گردآوری شده است.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد عوامل «ساختاری (سازمانی)، آموزشی، ابزار و امکانات، فرهنگی و دانشجویی» با ضعف گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری داشته، همچنین در اولویت‌بندی عوامل با استفاده از آزمون رتبه‌ای فریدمن «عوامل ابزاری» به عنوان مهم‌ترین مانع در این فرآیند مؤثر بوده است.

کلید واژه‌ها

پژوهش محوری / Research-Oriented approach / رویکرد پژوهش محوری / دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) / Faculty of Staff and Command / دانشگاه علوم انتظامی I.R.I Police University .

مقدمه

تغییرات و تحولات در جهان امروز چنان گسترده، شتابان و پیچیده است که ما را از هم‌پیمایی با آنها بیش از پیش باز می‌دارد. در این راستا نهاد دانشگاه مهم‌ترین نهادی است که می‌تواند با ایجاد تغییرات در ذهن‌ها و تولید و توسعه علم به ما کمک کند. دانشگاه با هوشمندسازی و اشاعه تفکر تحقیق و پژوهش، بسترهای مورد نیاز و نیز سرمایه‌های انسانی کارا و مناسب را فراهم می‌سازد که بتوان جامعه و سازمان‌ها را با این تحولات هم‌نوا کرد (یونسکو، ۲۰۰۲). در گذشته دانشگاه‌ها تنها بر انتقال دانش (آموزش) تأکید داشتند. اما امروزه بیشتر به نقش تولید دانش و اشاعه آن در سطح جامعه و سازمان‌ها پرداخته‌اند (یمینی، ۱۳۸۳: ۱۴۱)؛ کارکردی که به عنوان رویکرد پژوهش محوری از آن یاد می‌شود و عمدتاً معطوف به تغییرات و تحولات در جهان پیچیده امروزی است. این کارکرد در دانشگاه‌ها تنها به فرآیند یادگیری و یاددهی متکی نیست؛ بلکه بر افزایش توانایی‌اندیشه‌ورزی و آماده‌سازی فراگیران برای نقش‌آفرینی در عرصه‌های خدمتی نظر دارد. نیروی انتظامی (پلیس) از سازمان‌هایی است که در شرایط امروز بیش از گذشته در معرض تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی قرار گرفته و با جامعه‌ای پیچیده‌تر و متأثر از متغیرهای جهانی روبه‌روست. اساساً پلیس در تعامل مستقیم با جامعه و انسان‌های در حال تحول قرار دارد، لذا باید نوعی هوشمندی را در فرماندهان و کارکنان خود ایجاد، تا بتواند تحولات و راهبردهای امروز خود را به درستی درک و تبیین کند.

در شرایطی که کار ناجا چند لایه و پیچیده شده، بینش پلیس نیز باید وسعت‌یافته تا بتواند کارایی لازم در عرصه عمل و نظر را داشته باشد. دانشکده فرماندهی و ستاد از مراکز توسعه مدیریتی ناجا محسوب می‌شود و فارغ‌التحصیلان در آن در سطحی از مدیران راهبردی ناجا ممکن است منصوب گردیده و به نوعی مدیریت بحران کنند. اساساً یک مدیر بحران برای تصمیم‌گیری شایسته و به‌موقع در عمل، باید درباره شرایط و موقعیت خلق یک تفکر بیندیشد و عواملی که این تفکر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد شناسایی کند. به عبارت دیگر، یک مدیر باید فضای توپولوژیک موقعیت‌های مهم را ترسیم کند. یعنی مجموعه عوامل تأثیرگذار در وقوع بحران و میزان تعاملات آنها نسبت به همدیگر که در بستر آن شکل می‌گیرد، تبیین کند (کافمن، ۱۳۷۴: ۱۲۲). اگر این دیدگاه را بپذیریم، ناگزیریم که رویکرد پژوهش محوری را در دافوس نهادینه کنیم. این تحقیق با مطرح کردن رویکردهای تازه به راهبردهای آموزشی پژوهش محور و

شناخت کارکردهای پژوهشی دانشگاه با استفاده از نظریه برنامه‌ریزی راهبردی (همان منبع: ۹۵)، تنگناها و موانع گرایش به این رویکرد و انجام فعالیت‌های پژوهشی را در دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا تبیین کرده است.

در این تحقیق فعالیت‌های پژوهشی در دافوس شامل تهیه و تدوین مقالات و چاپ و انتشار آن در نشریات سازمانی و غیرسازمانی، انجام تحقیقات کلاسی، ترجمه کتاب و مقاله، ارائه کنفرانس‌های درسی، مشارکت در طرح‌های تحقیقاتی، تهیه طرح یا برآورد و سایر فعالیت‌های علمی - پژوهشی است.

توسعه و پیشرفت سازمان با نهادینه‌سازی بینش پژوهشی در سرمایه‌های انسانی و اشاعه فرهنگ تحقیق و پژوهش در گستره سازمانی نیروی انتظامی میسر خواهد شد. بنابراین، نهادهای آموزشی به‌ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی و آموزش عالی نقش برجسته‌تری خواهند داشت. دانشگاه‌های امروز کارکردهای تازه‌ای یافته و پژوهش محوری و دانایی محوری شاخصه مسلط دانشگاه‌های سراسر جهان شده است. اساساً هوشمندسازی سازمانی و اجتماعی توسط نهاد دانشگاه و با توسعه مدیریت دانش در افراد و سازمان‌ها میسر می‌شود تا آنها بتوانند به عنوان یک سیستم، اطلاعات را از محیط دریافت و پردازش کرده و بر مبنای آنها تصمیم‌گیری و تدبیر کنند (طائفی، ۱۳۸۰: ۹۶).

دنیای کاری جدید نیازمند قابلیت درک مشکلات و مسائل تازه‌ای است که با موقعیت‌های محیطی تغییر می‌کند. از این‌رو، سازمان‌های هوشمند نه تنها به دنبال یافتن پاسخ‌های درست برای سازگاری خود با محیط است بلکه به دنبال دستیابی به پرسش‌های درست نیز تلاش می‌کنند (مایور، ۱۳۷۹: ۵۳). در این رویکرد دانشگاه با نقش سنتی و گذشته خود و در رابطه با آموزش و یادگیری نمی‌تواند مؤثر عمل کند، لذا فعالیت‌های آن باید معطوف به پژوهش و کارکردهای پژوهشی باشد. از گذشته وظایف دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش تکمیلی را انتقال دانش به سرمایه‌های انسانی و افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات آنها می‌دانستند؛ اما در دهه‌های اخیر این نگاه تغییر یافته است. لازمه توسعه علمی و پیش‌نیاز آن فراهم ساختن شرایطی است که در آن، نهاد دانشگاه بتواند تعامل و دادوستدهای روزآمد با محیط پیرامونی خود (جامعه و سازمان) برقرار کند و به تأمین نیازمندی‌های علمی و فنی سازمان یا جامعه بپردازد (مولکی، ۱۳۸۲: ۲۱۲). این امر جز با اولویت دادن به فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم امکان‌پذیر نیست. دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی به عنوان مقطع آموزش عالی در توسعه

مدیریتی باید خود را با چنین رویکردی هم‌نوا کند.

مسئله و سؤالات تحقیق

هنوز دانشگاه‌های ما نتوانسته‌اند رویکرد پژوهش محوری را در بخش‌های آموزشی خود حاکم کنند و همچنان به عنوان ارائه‌کننده برنامه‌های درسی و انتقال‌حفظیات به دانشجو عمل می‌کنند. دانشگاه‌ها هنوز از هدف اصلی خود یعنی کشف حقایق علمی و پرورش پژوهشگران خلاق و نقاد دور بوده و به مؤسسات صرفاً آموزشی تبدیل شده‌اند و هدفی جز انتقال دانش‌های اثباتی ندارند و از سوی دیگر مسئله محور و فرآیند محور نبودن محتویات برنامه‌های درسی موجب شده امکانی برای پژوهش و خودآموزی دانشجو به وجود نیاید.

این وضعیت در دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی (دافوس) نیز وجود دارد و کارکردهای پژوهشی نتوانسته به خوبی در آن نهادینه شود و امری ثانوی محسوب می‌شود. پژوهش محوری و اشاعه تفکر پژوهشی و اهمیت به بینش تحلیل و جست‌وجو نتوانسته در لایه‌های آموزشی، خود را برجسته و پررنگ نشان دهد. لذا با توجه به نقش دافوس در تربیت سرمایه‌های انسانی به منظور تأمین مدیریت و فرماندهی میانی و عالی سازمان، رویکرد پژوهش محوری و توسعه بینش علمی و تفکر پژوهشی و افزایش قدرت مسئله‌یابی و توانایی حل علمی مسئله، باید از اولویت‌های سیاست‌های آموزشی دانشکده باشد که به نظر می‌رسد در این رویکرد هنوز نتوانسته‌ایم چندان موفق عمل کنیم.

تحقیق حاضر با توجه به واقعیت‌های گفته شده در جهان امروز درخصوص نقش و کارکرد دانشگاه‌ها و فاصله ما با این روندها شکل گرفته و سؤال اساسی آن، این است که موانع و مشکلات و تنگناهای دافوس در زمینه فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان چیست؟ و چگونه می‌توان آنها را مرتفع کرد؟ سؤالاتی که در این راستا مطرح می‌شوند نیز عبارت‌اند از:

- ۱- چه عواملی سازمانی (ساختاری) بر گرایش دانشجویان به تحقیق و پژوهش در دافوس مؤثر است؟
- ۲- چه عوامل آموزشی (فرآیند آموزش) بر گرایش دانشجویان به تحقیق و پژوهش در دافوس مؤثر است؟
- ۳- چه عوامل فرهنگی (فرهنگ و هنجار) بر گرایش دانشجویان به تحقیق و پژوهش در دافوس مؤثر است؟

- ۴- چه عوامل دانشجویی (فراگیر) بر گرایش دانشجویان به پژوهش در دافوس مؤثر است؟
- ۵- چه عواملی در رابطه با ابزار و امکانات (فناوری) بر گرایش دانشجویان به تحقیق و پژوهش در دافوس مؤثر است؟
- ۶- نقش و اهمیت هر یک از عوامل مذکور و اولویت‌های آنها چگونه است؟

اهمیت موضوع

با محور قرار دادن پژوهش در برنامه‌های آموزشی و مبتنی ساختن آموزش عالی بر «پژوهش» با هدف ایجاد روحیه خلاقیت و پژوهشگری و تبدیل آموزش‌های تکمیلی به یک چشمه تولید علم و گسترش‌دهندهٔ مرزهای دانش، می‌توان تحول فرهنگی را در جامعه و سازمان‌ها صورت داد. این مقوله در نیروی انتظامی که باید سازمانی پویا بوده و با توجه به تحولات محیطی، وظایف و نقش خود را ایفا کند، اهمیت مضاعفی دارد.

دانشکده فرماندهی ستاد با توجه به اینکه عهده‌دار آموزش و تربیت فرماندهان و مدیران عالی میانی سازمان نیروی انتظامی است، باید کارکرد خود را در این راستا قرار دهد تا با بالا بردن بینش آنان به شکل‌گیری و شکل‌دهی نهاد پلیس به‌ویژه در راستای تدابیر و راهبردهای مسئولان نیروی انتظامی کمک کند.

واقعیت نشان می‌دهد ساختار و موجودیت فعلی دافوس نمی‌تواند جوابگوی چنین اهدافی باشد. رویکرد آموزش محوری اکنون در این نهاد حاکم است و وضعیت تحقیقات در بین استادان و دانشجویان پایین بوده و فرهنگ پژوهشی نیز جایگاه مطلوبی ندارد. لذا بررسی این وضعیت شاید نخستین و مهم‌ترین گام برای حرکت در مسیر توسعه آموزش‌های عالی در سازمان نیروی انتظامی باشد.

توسعه و پیشرفت در سازمان ناجا هنگامی تحقق خواهد پذیرفت که دافوس مرکز جذب متخصصان و با تجربه‌های ناجا بوده و با ارتقای توانایی‌های فکری و پویایی بینش و ارتقای قدرت تحلیل آنان با پژوهش و تولید علم و نوآوری، گام‌های مؤثری در تحقق توسعهٔ سازمانی و پیشرفت همگام با تحولات دنیای کنونی داشته باشد. گادت^۱ در کتاب «پیش‌بینی تا عمل» که از سوی یونسکو منتشر شده است اهم رسالت‌های دانشگاه را در ۱۰ ماده ذکر کرده که منشور یونسکو در زمینه آموزش عالی است.

وی معتقد است دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی باید آماده شود که به ارزیابی و تحلیل منطقی وضع موجود بپردازد و هدف‌هایی را برای حرکت منسجم آینده ترسیم کند. دانشگاه باید پیشگام اشاعهٔ آزادانه افکار باشد و به تحلیل و حل مسائل اساسی جامعه و سازمان کمک کند. بنابراین در کنار مؤسسات تحقیقاتی که به خلق دانش جدید می‌پردازد، آنها مؤظفند که از طریق پژوهش‌های اساسی و بنیادی به تولید علم بپردازند (گادت، ۱۹۹۴: ۵۲). در این راستا دانستن موانع پژوهش در مراکز آموزش عالی و کمک در راه رفع آنها اهمیت اساسی دارد.

راهبرد پژوهش محوری

با توجه به این رویکرد تازه، در دانشگاه‌ها تنها یادگیری صورت نمی‌پذیرد، بلکه دانشجو نحوه تفکر و اندیشه را می‌آموزد و دانشگاهی موفق‌تر است که بتواند این مهم را به دانشجو انتقال دهد. دانشگاه به آموزش فکر پرداخته و تحقیق و تفحص در مورد چراهای ذهن را افزایش می‌دهد. در دهه‌های اخیر اغلب دانشگاه‌های معتبر جهانی رویکردشان معطوف به پژوهش محوری و حافظه پروری گردیده است. به عنوان مثال، در دانشگاه آلبورگ^۱ دانمارک روش تدریس برپایه پژوهش محوری است و در دو سطح ارائه می‌شود:

- ۱- کنفرانس، همایش و واحدهای درسی که بخش اصلی ترم تحصیلی است.
- ۲- کار گروهی و رفع اشکال که در گروه‌های ۳ تا ۵ نفره که در بخشی خاص انجام می‌شود.

نیمی از ساعت درسی در سطح اول و نیمی دیگر به کارهای گروهی اختصاص داده می‌شود. در پایان ترم نیز دانشجویان گزارش پروژه خود را در ۷۵ تا ۱۵۰ صفحه به استاد تحویل می‌دهند (ویلیام، ۱۹۹۹).

تغییر رویکرد کشور ما یعنی تغییر نام وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم تحقیقات و فناوری نیز در همین راستا بود تا این تحول بر محتوی فعالیت‌های وزارتخانه تأثیر گذارده و باعث ارتقای علمی سیستم آموزشی کشور یعنی دانشگاه‌ها و محوریت پژوهش در آنها شود.

به نظر می‌رسد برخلاف این رویکرد هنوز دانشگاه‌های ما نتوانسته‌اند این رویکرد

را در بخش‌های آموزشی خود حاکم کنند و همچنان به عنوان ارائه‌کننده برنامه‌های درسی و انتقال حفظیات به دانشجو عمل می‌کنند. دانشگاه‌ها هنوز از هدف اصلی خود یعنی کشف حقایق علمی و پرورش پژوهشگران خلاق و نقاد دور بوده و به مؤسسات صرفاً آموزشی تبدیل شده‌اند و هدفی جز انتقال دانش‌های اثباتی ندارند و از سوی دیگر مسئله محور و فرآیندمحور نبودن محتویات برنامه‌های درسی موجب شده امکانی برای پژوهش و خودآموزی دانشجو به وجود نیاید.

دافوس و پژوهش‌محوری

از گذشته کارکرد اساسی دانشگاه‌ها انتقال دانش (آموزش) بوده است که عمدتاً نیز انتقال دانش غیربومی، وارداتی یا مستشاری بوده است، اما در راهبرد پژوهش‌محوری این نقش شامل سه فرآیند اساسی و مکمل یکدیگر است که شامل: ۱- تولید دانش؛ ۲- انتقال دانش؛ ۳- اشاعه دانش، است.

در این رویکرد مهم‌ترین نقش دانشگاه تولید علم است؛ آنچه که از آن به عنوان جنبش نرم‌افزاری نیز یاد شده است که در آن، دانشگاه‌ها از مصرف‌کنندگی صرف خارج شده، جامعه و سازمان‌ها را تغذیه علمی و فکری می‌کنند. این رویکرد را اولین بار هنری اتزوتیز تحت عنوان انقلاب دوم مطرح کرد (ویلیام، ۱۹۹۹: ۱۲۸). یعنی رنسانس (انقلاب علمی) دوم که در آن دیگر وظیفه دانشگاه این نیست که تمامی مطالب درسی را تدریس کند، بلکه پاسخگویی به سؤالات و دستیابی به اطلاعات و مطالب جدیدتر باید از طریق جستجو برای یادگیری از سوی دانشجو آغاز شود. در این رویکرد عناصری اساسی آموزش (مانند دانشجو، استاد، محیط آموزشی، متون، فرآیند) ویژگی‌های تازه‌ای می‌یابند. دانشجویان دیشه‌ورز و فعال فراگیر است نه حفظ‌کننده و منفعل، سیستم کلاس یک سویه نیست بلکه به جای استاد محوری، دانشجو محور است.

در این رویکرد به جای انبار کردن اطلاعات متون درسی در حافظه دانشجویان، در آنها کسب مهارت برای مسئله‌شناسی و نیز حل مسئله در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌کند. فعالیت‌های پژوهشی و تأکید بر یادگیری اصول و روش‌های آن، به فارغ‌التحصیل قابلیت‌هایی را می‌دهد تا بتواند به‌طور اصولی به حل مسائل سازمانی در سطوح مختلف بپردازد.

درک تغییرات و بینش خلاق می‌کند. دنیای کاری جدید نیازمند قابلیت درک مشکلات و تحولات جدیدی است که با موقعیت‌های محیطی تغییر می‌کند. فارغ‌التحصیل دافوس

باید قابلیت‌هایی پیدا کند که توانایی طراحی و اجرای عملیات همه رسته‌ای و به‌کارگیری همه عناصر صفی و ستادی را در اجرای مأموریت داشته باشد. لذا در دافوس باید رویکرد خود را معطوف به پژوهش محوری کند.

در نظام‌های آموزش محور، استادان در واقع فقط تشریح‌کننده متون وارداتی هستند و دانشجویان هم مطالب را ضبط کرده و تحویل می‌دهند. دانشگاه‌ها عمدتاً مانند مدرسه عمل می‌کنند که تنها برای انتقال اطلاعات و تربیت اهل فضل، نه پرورش خلاقیت‌ها کاربرد دارد. دانشگاه پژوهش محور با تکیه بر فرهنگ و ارزش‌های خود، ویژگی‌های فردی چون اعتماد به نفس، خودباوری و فردگرایی خلاق را به دانشجویان خود انتقال می‌دهد و آنها را به تفکر و اندیشه بیشتر سوق می‌دهد. در یک دانشگاه پژوهش محور دانشجو علاوه بر آموختن علم و دانش، شیوهٔ تعقل را می‌آموزد. دانشجویان از آغاز تحصیل بر فهم و قدرت تجزیه و تحلیل خویش تکیه می‌کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های پژوهش‌محوری در دانشگاه‌ها کمک به فراگیران برای تشخیص (مسئله‌یابی) و حل مسئله است، به ویژه اینکه در بحث نظم و انضباط اجتماعی اداره پلیس از راه حل مسئله یکی از شاخص‌های راهبرد جامعه محوری پلیس محسوب می‌شود. در این فرآیند، بازدارندگی به جای واکنشی عمل کردن قرار می‌گیرد. این به معنای شناسایی مسائل و جستجو در مورد علت زیر بنایی مسائل است. به گفته ویلسون و کلینگ، ادارهٔ امور پلیسی جامعه محور باید در مورد مسائل هم تحقیق کند (ام‌هس، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

تقویت روحیه نقادی از دیگر ویژگی‌های پژوهش محوری است. این نظام با آموزش مبانی علمی نقدپذیری و تشویق کاربرد قضاوت انتقادی و ایجاد انگیزش برای خلق پتانسیل مشاهده‌گر و آفرینش‌گر، نقش مهمی در توسعهٔ مهارت‌های تحصیلی ایفا خواهد کرد تا دانشجویان بتوانند با درک علمی و منطقی محیط تعاملی خود، نگاه تیزبینانه‌ای به آن داشته باشند.

پیشینه دافوس در ایران

دانشکده فرماندهی و ستاد یکی از مراکز عمده آموزشی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که اولین بنای تأسیس آن در سال ۱۳۱۲ در محل فعلی «دانشگاه جنگ» نهاده شد. پس از اتمام ساختمان و تأسیسات، اولین دوره آموزشی در اول مرداد ماه ۱۳۱۴ و همزمان با افتتاح و تأسیس دانشگاه تهران رسماً گشایش یافت.

در سال ۱۳۶۹ پس از تدوین و تصویب قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و اوامر فرماندهی کل قوا و تدبیر ریاست ستاد مشترک، دانشکده‌های فرماندهی و ستاد، نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش در یکدیگر ادغام شدند و با نام دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران (دافوس آجا) و تحت یک فرماندهی و در تابعیت ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند.

دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۳ توسط پاسداران فارغ‌التحصیل دافوس آجا تحت عنوان دوره فرماندهی مالک اشتر تأسیس شد. دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا در اردیبهشت سال ۱۳۷۲ با سه کلاس و ۴۵ دانشجو در محل دانشگاه علوم انتظامی (ساختمان لجستیک شهربانی سابق) تأسیس شد. در سال ۱۳۷۶ برنامه تفصیلی دافوس به تصویب شورای گسترش رشته‌های آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی رسید و رشته آن با عنوان فرماندهی و مدیریت انتظامی مصوب شد و از این سال مدت دوره به ۱/۵ سال (۱۸ ماه) افزایش یافت.

در سال ۱۳۷۸ نیز با عقد قرار داد با دانشگاه تربیت مدرس (گروه مدیریت) دوره مصوب دافوس با همکاری این دانشگاه برگزار شد که در سال ۱۳۸۰ فارغ‌التحصیلان آن دوره، از دانشگاه تربیت مدرس مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردند. این فارغ‌التحصیلان دوره هفتم دافوس را تشکیل می‌دادند. در نیروهای نظامی و انتظامی برخی کشورها نیز دافوس تأسیس شده است؛ به عنوان مثال، دانشکده فرماندهی و ستاد پاکستان در سال ۱۹۰۵ میلادی تأسیس و در جریان دوره‌های کوتاه مدت، فرماندهی و ستاد را آموزش می‌داد. این دانشکده تا سال ۱۹۴۵ توسط انگلیسی‌ها اداره می‌شد. این دانشکده امروز یکی از مراکز مهم آموزش‌های عالی در امور نظامی و انتظامی این کشور محسوب می‌شود (علاماتی، ۱۳۷۴). در سایر کشورها نیز مراکز آموزش عالی پلیس نقش قابل توجهی در آموزش و تربیت دانشجویان سطوح بالای مدیریت خود دارند.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی است که به روش پیمایشی انجام می‌گیرد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشکده فرماندهی و ستاد از دوره هفتم به بعد (مصوب وزارت علوم) است. جامعه آماری به صورت تمام شماری انجام شده که به تعداد ۱۷۵ نفر است. داده‌های مورد نیاز از طریق رجوع به اطلاعات و اطلاعات ثانویه

توسط پرسشنامه‌ای در قالب طیف لیکرت گردآوری شده است، جهت سنجش روانی از روش اعتبار صوری استفاده و پایایی تحقیق نیز با ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفته که برآورد آن ۸۳ درصد محاسبه شد.

متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: عوامل ساختاری، عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی، عوامل دانشجویی و عوامل ابزاری. متغیر وابسته عبارت است از: گرایش دانشجویان دافوس به فعالیت‌های پژوهشی. شاخص‌های عوامل (موانع) به شرح زیر است:

شاخص‌های مربوط به گویه‌های تحقیق

متغیر	شاخص
عوامل ابزاری	خدمات رایانه‌ای، خدمات پشتیبانی، خدمات کمک آموزشی، خدمات اطلاع رسانی
عوامل آموزشی	برنامه‌ریزی آموزشی، استادان اجرای آموزش، عناوین و محتوای آموزش
عوامل ساختاری	ارتباط و تعاملات، قوانین و مقررات، تشکیلات و سازوکارها، زمینه‌ها و بسترها
عوامل دانشجویی	انگیزش و علائق، مشکلات دانشجویی، ویژگی در دانشجویان

فرضیات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. بین عوامل ساختاری و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین عوامل آموزشی و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین عوامل فرهنگی و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین عوامل دانشجویی و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین عوامل ابزاری و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.

یافته‌ها

بخشی از یافته‌های تحقیق به بررسی میزان فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان دافوس پرداخته است. یکی از شاخص‌های این فعالیت‌ها میزان استفاده از کتابخانه و اطلاع‌رسانی

دانشکده است.

جدول شماره یک میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه را در هر هفته نشان می‌دهد.
جدول شماره ۱: میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه

ردیف	تعداد مراجعه در هفته	فراوانی	درصد
۱	یک بار	۲۵	۲۵/۵
۲	دو بار	۴۲	۱۳/۸
۳	سه بار	۳۶	۲۷/۲
۴	چهار بار	۱۳	۱۰/۱
۵	پنج بار	۹	۶/۹
۶	بیشتر از پنج بار	۳	۲/۴
	جمع	۱۲۹	۱۰۰

بر اساس نتایج جدول شماره یک، کمترین فراوانی مربوط به دانشجویانی است که پنج بار و نیز چهار بار در هفته به کتابخانه مراجعه داشته‌اند (۲/۴ درصد و ۶/۹ درصد) و بیشترین فراوانی نیز مربوط به دانشجویانی است که دو بار در هفته به کتابخانه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: هدف از مراجعه دانشجویان به کتابخانه

ردیف	هدف از مراجعه	فراوانی	درصد
۱	مطالعات نشریات	۷۰	۴۱/۷
۲	مطالعه کتاب	۳۱	۱۸/۵
۳	امانت کتاب	۵۶	۳۳/۳
۴	مطالعه درسی	۹	۵/۳
۵	سایر	۲	۱/۲
	جمع	۱۲۹	۱۰۰

جدول شماره دو هدف از مراجعه و نوع فعالیت دانشجویان در کتابخانه را نشان می‌دهد. براساس این جدول بیشترین فراوانی مربوط به کسانی است که اظهار داشته‌اند در کتابخانه به مطالعه نشریات می‌پردازند (۴۱/۷ درصد) لذا با توجه به نتایج، میزان توجه به کتاب و کتابخوانی در این دانشکده چندان از فراوانی بالایی برخوردار نیست.

جدول شماره ۳: فراوانی فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان

ردیف	فراوانی فعالیت پژوهشی	هیچ (۰)		یک تا پنج		۵+		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	مقاله چاپ شده	۱۱۴	۸۸/۴	۱۵	۱۱/۶	۰	۰	۱۲۹	۱۰۰
۲	مقاله چاپ نشده	۷۹	۶۱/۴	۴۳	۳۲/۳	۷	۵/۲	۱۲۹	۱۰۰
۳	تحقیق کلاسی	۱۰	۷/۷	۷۱	۵۵/۱	۲۸	۳۷/۲	۱۲۹	۱۰۰
۴	ترجمه کلاسی	۱۲۵	۹۶/۲	۴	۳	۰	۰	۱۲۹	۱۰۰
۵	کفرانس کلاسی	۱	۷/۷	۹۸	۷۵/۹	۲۱	۱۶/۴	۱۲۹	۱۰۰
۶	مشارکت در طرح‌های تحقیقاتی	۱۱۵	۸۹/۱	۱۴	۱۰/۹	۰	۰	۱۲۹	۱۰۰
۷	تهیه طرح برآورد	۷۵	۵۸/۱	۵۱	۳۹/۴	۳	۲/۵	۱۲۹	۱۰۰
۸	سایر فعالیت‌ها	۱۲۱	۹۳/۸	۷	۵/۲	۱	۰/۷۵	۱۲۹	۱۰۰
	جمع	۶۴۸	۶۵/۹	۳۰۹	۳۱/۵	۶۰	۶/۱	۱۰۱۷	۱۰۰

جدول شماره (۳) فراوانی فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان را بر اساس تعداد فعالیت آنان در طول دوره دافوس نشان می‌دهد. این فعالیت‌ها از نظر کمیّت در سه دسته کلی قرار دارند:

- ۱ - دانشجویانی که هیچ‌گونه فعالیت‌های پژوهشی در زمینه‌های ذکر شده نداشته‌اند.
- ۲ - دانشجویانی که یک تا پنج فعالیت یا اثر پژوهشی داشته‌اند.
- ۳ - دانشجویانی که پنج یا بیشتر از آن، فعالیت یا اثر پژوهشی در طول دوره دافوس داشته‌اند.

نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که از بین جامعه آماری، ۸۸/۴ درصد هیچ مقاله چاپ شده در نشریات را نداشته و ۱۱/۶ درصد نیز بین یک تا پنج مقاله چاپ شده داشته‌اند (۱۵ نفر). این مقاله‌ها عمدتاً در نشریات سازمانی ناجا به چاپ رسیده است. همچنین ۶۱/۴ درصد پاسخگویان هیچ مقاله چاپ نشده‌ای هم نداشته‌اند و تنها ۳۳/۳ درصد از دانشجویان بین یک تا پنج مقاله چاپ نشده در طول دوره دافوس تهیه کرده‌اند. انجام تحقیقات کلاسی بیشترین فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان را به خود اختصاص داده است. براساس داده‌های این جدول ۵۵/۱ درصد دانشجویان بین یک تا پنج تحقیق کلاسی داشته‌اند و ۷/۷ دانشجویان نیز اظهار داشته‌اند که در طول دوره دافوس هیچ تحقیق کلاسی نداشته‌اند (۱۰ نفر).

فعالیت در زمینه ارائه کنفرانس‌های کلاسی نیز از عمده‌ترین فعالیت‌های پژوهشی آموزشی دانشجویان محسوب می‌شود. داده‌های جدول نشان می‌دهد حدود ۷۶ درصد دانشجویان بین یک تا پنج کنفرانس کلاسی داشته‌اند و حدود ۱۷ درصد نیز بیش از پنج کنفرانس کلاسی ارائه داده‌اند.

نتایج این تحقیق نشان داده است بیشترین دانشجویان (۵۷/۲ درصد) در هفته تنها یک یا دو بار به کتابخانه دافوس مراجعه داشته‌اند. ۴۱ درصد آنان برای مطالعه نشریات ۱۸/۵ درصد برای مطالعه کتاب و ۳۳/۵ درصد برای امانت کتاب از کتابخانه استفاده کرده‌اند.

در خصوص میزان متوسط دریافت کتاب از کتابخانه، بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویانی است که به‌طور متوسط تنها یک کتاب در هفته امانت گرفته‌اند (۵۰/۹ درصد). میزان متوسط مطالعه دانشجویان دافوس نیز بررسی شده و بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویانی است که به‌طور متوسط در شبانه روز زیر یک ساعت مطالعه دارند که با وجود مقطع کارشناسی ارشد این میزان مطالعه چندان قابل توجه نیست. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد میزان استفاده دانشجویان از مقالات موجود ناکافی است. در مجموع ۴۴/۴ درصد دانشجویان اظهار داشته‌اند کم، خیلی کم و اصلاً از مقالات و منابع موجود در کتابخانه استفاده نمی‌کنند.

در بخش دیگری از تحقیق، موانع گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی بررسی شده است. در بخش موانع ساختاری، نتایج نشان داده که از دید دانشجویان نبود تعریف مشخص از فعالیت‌های پژوهشی مهم‌ترین مانع است. در این گویه ۸۶/۸ درصد پاسخگویان نقش این عامل را در ضعف گرایش به فعالیت‌های پرورشی در حد زیاد و خیلی زیاد عنوان کرده‌اند. در بخش موانع آموزشی، برنامه‌ریزی نامناسب و کمبود زمان مفید برای انجام فعالیت‌های پژوهشی به عنوان مهم‌ترین عوامل مطرح شده است. پس از آن ضعف کمی و کیفی آموزش‌های مرتبط با پژوهش و پایان نامه نویسی بیشترین نقش را داشته است. در بخش موانع فرهنگی، گرایش دانشجویان به سطحی‌نگری و آسان‌گیری در امور آموزشی به عنوان مهم‌ترین عامل و پس از آن نگرش دانشجویان به دافوس به عنوان وسیله‌ای برای ارتقای شغلی (و نه علمی) مطرح شده است. در بخش موانع دانشجویی، زمان فراغت کم دانشجویان برای مطالعه و تحقیق به عنوان مهم‌ترین عامل مطرح شده است. در بخش موانع ابزاری، عدم دسترسی به خدمات رایانه‌ای و اینترنت، استاندارد نبودن کتابخانه و وضعیت سرویس‌دهی به

دانشجویان به عنوان مهم‌ترین موانع، طرح شده است.

در بخش تبیین فرضیات، با استفاده از آزمون آماری (t) به بررسی تأیید یا رد آنها پرداخته شده است. در رابطه با فرضیه اول که نقش موانع ساختاری را در ضعف گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی مطرح کرده، نتایج نشان داده میانگین به‌دست آمده از چهار مؤلفه با توجه به آمار t از متوسط به‌دست آمده توسط طیف لیکرت بیشتر است ($3 > 3/95$) لذا با بیش از ۹۵ درصد اطمینان فرض H_1 تأیید شده است. یافته‌های پژوهش در خصوص فرضیه دوم نشان داده با توجه به آمار t میانگین مجموع عوامل آموزشی از متوسط طیف لیکرت بیشتر بوده است ($3 > 4/3$) لذا با بیش از ۹۵ درصد اطمینان فرضیه دوم نیز مورد تأیید قرار گرفته، یعنی در دافوس بین موانع آموزشی و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معنا داری وجود داشته است.

یافته‌های پژوهش در خصوص فرضیه سوم نشان داده، میانگین مجموع عوامل فرهنگی از متوسط طیف لیکرت بیشتر شده است ($3 > 3/29$) لذا با بیش از ۹۵ درصد اطمینان فرضیه سوم تأیید شده است؛ یعنی در دافوس بین عوامل فرهنگی و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود داشته است. در خصوص فرضیه چهارم، یافته‌های این تحقیق نشان داده مقدار میانگین مجموع عوامل دانشجویی، از متوسط طیف لیکرت بیشتر بوده است ($3 > 3/27$) لذا با بیش از ۹۵ درصد اطمینان فرضیه چهارم نیز تأیید شده است. یعنی در دافوس بین عوامل دانشجویی و گرایش به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد. در خصوص فرضیه پنجم، یافته‌های تحقیق نشان داده مقدار میانگین عوامل ابزاری از متوسط طیف لیکرت بیشتر بوده است ($3 > 1/4$) لذا با بیش از ۹۵ درصد اطمینان فرضیه پنجم نیز تأیید شده است. یعنی در دافوس بین عوامل ابزاری و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.

در مجموع، برآیند جدول ترکیبی موانع، پنج گویه مؤثر بر گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی را نشان می‌دهد با در نظر گرفتن آمار t مقدار میانگین عوامل پنج گانه ساختاری، آموزشی، فرهنگی، ابزاری و دانشجویی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان از متوسط طیف لیکرت بیشتر است، لذا بین این عوامل و گرایش دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد.

اولویت‌بندی اهمیت عوامل

به منظور سنجش و تعیین اهمیت عوامل در گرایش دانشجویان دافوس به فعالیت‌های پژوهشی از آزمون‌رتبه‌بندی فرید من ۱ استفاده شد. جدول شماره ۴ چهار اولویت‌بندی مؤلفه‌های عوامل ساختاری را نشان می‌دهد که در آن ارتباط و تعاملات بیشترین اهمیت را در عوامل ساختاری داشته است.

جدول شماره ۴: اولویت ساختاری

اولویت	مؤلفه	میانگین فریدمن
اول	ارتباطات و تعاملات	۲/۷۲
دوم	قوانین و مقررات	۲/۳۶
سوم	تشکیلات و سازوکارها	۲/۴۷
چهارم	زمینه‌ها و بسترها	۲/۱۷

جدول شماره ۵ پنج اولویت‌بندی مؤلفه‌های عوامل آموزشی را نشان می‌دهد که در میان آنها برنامه‌ریزی بیشترین اهمیت را در عوامل آموزشی داشته است.

جدول شماره ۵: اولویت عوامل آموزشی

اولویت	مؤلفه	میانگین فریدمن
اول	برنامه‌ریزی آموزشی	۲/۹۵
دوم	استادان	۲/۵
سوم	اجرای آموزشی	۲/۲۹
چهارم	عناوین و محتوای آموزشی	۲/۲۶

جدول شماره ۶ شش اولویت‌بندی مؤلفه‌های عوامل دانشجویی را نشان می‌دهد که در میان آنها انگیزش و علائق دانشجویان بیشترین اهمیت را داشته است.

جدول شماره ۶: اولویت عوامل دانشجویی

اولویت	مؤلفه	میانگین فریدمن
اول	انگیزش و علائق	۲/۱۲
دوم	مشکلات دانشجویی	۲/۰۰
سوم	ویژگی‌های دانشجویی	۱/۸۸

جدول شماره هفت اولویت‌بندی مؤلفه‌های عوامل ابزاری (خدمات و امکانات) را نشان می‌دهد که در میان آنها خدمات رایانه‌ای بیشترین اهمیت را داشته است.

جدول شماره ۷: اولویت ابزاری

اولویت	مؤلفه	میانگین فریدمن
اول	خدمات رایانه‌ای	۲/۸۳
دوم	خدمات پشتیبانی	۲/۷۳
سوم	خدمات کمک آموزشی	۲/۴۲
چهارم	خدمات اطلاع‌رسانی	۲/۰۲

جدول شماره هشت اولویت‌بندی مجموعه عوامل را نشان می‌دهد که در میان آنها عوامل ابزاری (خدمات و امکانات) مهم‌ترین اهمیت را داشته است؛ یعنی خدمات رایانه‌ای پشتیبانی، کمک آموزشی و اطلاع‌رسانی.

جدول شماره ۸: اولویت عوامل مؤثر بر گرایش

دانشجویان به فعالیت‌های پژوهشی

اولویت	مؤلفه	میانگین فریدمن
اول	عوامل ابزاری (خدمات و امکانات)	۳/۹۶
دوم	عوامل آموزش	۳/۵۸
سوم	عوامل ساختاری (سازمانی)	۳/۳۵
چهارم	عوامل فرهنگی	۲/۱۷
پنجم	عوامل دانشجویی	۱/۹۴

نتیجه‌گیری

امروزه پلیس در تعامل مستقیم با جامعه پیچیده و در حال تحول قرار دارد، لذا باید نوعی هوشمندی را در فرماندهان و کارکنان خود ایجاد کند، تا بتواند با این تحولات، همراه شده و در عرصه عمل و نظر کارایی لازم داشته باشد.

پژوهش محوری از شاخصه‌های جدید و مسلط دانشگاه‌های پیشرفته جهان است و یادگیری را مبتنی بر درک و بینش خلاق می‌داند که در فرآیندهای آموزش بر دانایی محوری، حافظه پروری و یاددهی نحوه به‌کارگیری تفکر و اندیشه استوار است. در این رویکرد به جای انبار کردن اطلاعات متون درسی در حافظه دانشجویان، در آنها کسب مهارت برای مسئله شناسی و نیز حل مسئله از راه اصولی و عملی ایجاد می‌شود.

در دانشگاه‌های پژوهش محور ویژگی‌هایی چون اعتماد به نفس، خود باوری، فردگرایی خلاق، شجاعت و قدرت نقدپذیری و انتقاد را به دانشجویان انتقال می‌دهند. دانشکده فرماندهی ستاد ناجا به عنوان مهم‌ترین مرکز تحصیلات تکمیلی ناجا نقش اساسی در توسعه مدیریتی و ایجاد هوشمندی سازمانی دارد و لذا رویکرد این دانشکده باید به پژوهش محوری معطوف شود. اما واقعیت‌های موجود که در این تحقیق بررسی شده، نشانگر آن است که رویکرد آموزش محوری و روش سنتی تعلیم غلبه بیشتری داشته و آمار پایین تولیدات علمی دانشجویان دافوس تأکیدی بر این موضوع است. لذا این تحقیق حول این مسئله شکل گرفت که چه عواملی (موانعی) در ضعف گرایش دانشجویان دافوس به فعالیت‌های پژوهشی نقش داشته و اولویت آنها کدام است. نتایج تحقیق که توسط پرسشنامه در قالب طیف لیکرت و جامعه آماری کلیه فارغ التحصیلان و دانشجویان فعلی دافوس صورت گرفت، پنج فرضیه را بررسی که تمامی آن فرضیات تأیید شد؛ یعنی عوامل ساختاری، آموزشی، ابزاری، فرهنگی و دانشجویی به عنوان موانع و تنگناهای گرایش دانشجویان به تحقیق عمل کرده‌اند.

همچنین با استفاده از آزمون رتبه‌ای فریدمن عوامل ابزاری به عنوان مهم‌ترین مانع و عوامل دانشجویی به عنوان کمترین مانع عمل کرده است. در بحث رتبه‌بندی شاخص‌های هر یک از عوامل، نتایج نشان داد که در عوامل ساختاری (سازمانی) ارتباطات و تعاملات آموزشی - پژوهشی دافوس با دانشگاه‌ها و رده‌های ناجا مهم‌ترین عامل، و در عوامل آموزشی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی، و در عوامل دانشجویی، علایق و انگیزش و در عوامل ابزاری، خدمات رایانه‌ای به دانشجویان مهم‌ترین نقش را داشته

است.

- در مجموع نیز مهم‌ترین موانع تأثیرگذار به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:
- ۱ - موانع ابزاری (خدمات و امکانات)؛
 - ۲ - موانع آموزشی؛
 - ۳ - موانع ساختاری (سازمانی)؛
 - ۴ - موانع فرهنگی؛
 - ۵ - موانع دانشجویی.

پیشنهادها

پیشنهادهای پژوهشی

۱. در خصوص علل و عوامل گرایش پایین دانشجویان به مطالعه (کم بودن نرخ مطالعه) در دافوس تحقیق صورت گیرد.
۲. در زمینه چگونگی ارتباط و تعامل پویا بین دافوس و سایر دانشگاه‌ها و مراکز علمی تحقیق صورت پذیرد.
۳. در خصوص علل گرایش غالب دانشجویان به سطحی‌نگری و آسان‌گیری در فعالیت‌های آموزشی تحقیق صورت گیرد.
۴. در جهت بررسی کاربرد دروس حاضر بر توانایی‌های مسئله‌یابی دانشجویان تحقیق صورت پذیرد.
۵. تحقیقی در خصوص نیاز سنجی خدمات و امکانات مورد نیاز برای فعالیت‌های علمی و پژوهشی دافوس صورت پذیرد.

پیشنهادهای اجرایی

۱. معطوف کردن فعالیت‌های علمی - آموزشی دانشجویان بر رویکرد پژوهش محوری.
۲. ایجاد بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های پژوهشی استادان و دانشجویان.
۳. تبدیل دافوس به مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه (ناجا) به منظور تولید علم و اشاعه آن در ناجا.
۴. معطوف کردن پایان نامه‌های دافوس به کمک در حل مسائل سازمانی.
۵. مشخص ساختن امتیازات مربوط به فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان در فرآیند آموزش و فارغ‌التحصیلی.
۶. تغییر در نوع آموزش‌های دافوس از سنتی بر مبنای تولید علم.



۷. ایجاد نهضت ترجمه برای تولید ادبیات پلیسی در دافوس.
۸. ایجاد کرسی مسائل و موضوعات انتظامی در دافوس برای تولید علم.

منابع

- ام هس، کارل و همکاران (۱۳۸۲). *پلیس در اجتماع*. ترجمه دکتر رضا کلهر. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- طائفی، علی (۱۳۸۰). *موانع فرهنگی توسعه تحقیق در ایران*. تهران: آزاداندیشان.
- علاماتی، غلامرضا (۱۳۷۴). *شناخت دافوس پاکستان. فصلنامه بررسی نظامی*، سال ششم.
- کافمن، راجر (۱۳۷۴). *برنامه ریزی راهبردی در نظام آموزش*. ترجمه فریده مشایخ. تهران: انتشارات مدرسه.
- مایور، فدریک (۱۳۷۹). *علم و قدرت*. ترجمه پریدخت وحیدی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مولکی، مایکل (۱۳۷۲). *سه الگوی رشد و توسعه علم*. ترجمه حسین قاضیان. تهران: دفتر دانش.
- یمینی، محمد (۱۳۸۳). *برنامه ریزی توسعه دانشگاهی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- Godet, O., (1994). *Science and social order*, The Freepress: www.Ogardenia.te
- Frankel, Wallen., (1990). *How to design and evaluate reserch in education*, megrawhill.
- UNESCO, (2002). *Deveoment Cuntries*, Kingsly.
- William, (1999). *Financial management of universities*: www.aau.dk.com